

# در باب چیستی تاریخ شفاهی (۳)



لیندا شوپس

(Linda shopes)

ترجمه: دکتر حسن اکبری بیرق

منبع: [historymatters.gmu.edu](http://historymatters.gmu.edu)

مصاحبه‌گر کیست؟

بی تردید یگانه عامل اساسی در صورتبندی مصاحبه، پرسش‌هایی است که مصاحبه‌گر می‌پرسد. او درباره رویدادی که اهمیت تاریخی دارد قاعدتاً پیش‌فرض‌هایی در ذهن خود دارد و سؤالاتش را بر پایه همین مفروضات طرح می‌کند که ساختار و چارچوب فکری مصاحبه را شکل می‌دهد و جهت آن را معین می‌سازد. سؤالات مصاحبه‌گر برای راویان سخنور به مثابه میدانی است که می‌توانند تجارب خود را در آن به بوته آزمون گذارند. مصاحبه‌گر با هوش و با تدبیر گوش شنوایی دارد و می‌کوشد تا پرسش‌هایش را با نکاتی که بیان آن‌ها از نظر راوی اهمیت دارد، هماهنگ کند. با این حال، تجربه توماس دابلین پس از مرور ذهنی مصاحبه‌هایش با خانواده‌های کارگران ذغال‌سنگ تقریباً برای همه مصاحبه‌گران اتفاق افتاده است. وی می‌نویسد: «روزی از روزها مشغول تماشای عکس‌های ایلا و تام استرول بودم که پیش‌تر با ایشان مصاحبه کرده بودم. از این‌که تصاویر فراوانی از صحنه‌های شکار او و دوستانش در آلبوم بود شگفت‌زده شدم. به تام گفتم که چرا در نیافته بودم که تا این‌درجه شکار در زندگی تو محوریت داشته است؟ او با خوشرویی پاسخ داد: «چون هرگز نپرسیدی.» (23) البته فقط سؤالات نیستند که مصاحبه‌گر با پرسیدن آن‌ها می‌تواند بر ماهیت گفته‌های راوی اثر بگذارد. مصاحبه‌گر نیز مانند راوی دارای هویت اجتماعی است که در حین مصاحبه ظهور و بروز یافته و نقش بازی می‌کند. راویان نیز مصاحبه‌گران را محک می‌زنند و در این آزمون ذهنی تعیین می‌کنند که پاسخ مناسب به چنین شخصی چه چیزی می‌باشد، چه باید و چه نباید بگویند؛ بنابراین، پدربزرگی که نوه‌اش با او برای ثبت تاریخچه خانوادگی مصاحبه می‌کند طبعاً ابعاد و زوایای ناخوشایند گذشته را پنهان می‌کند تا نوه‌اش آسیب نبیند، الگوی خوب و مسؤولیت‌پذیری از خود به نمایش بگذارد و اسطوره‌های خانوادگی را حفظ نماید. پیش‌تر نیز متذکرم که هویت اجتماعی من به‌عنوان نوه

تازه به دوران رسیده و کلاس بالای مهاجران لهستانی باعث می‌شد تا مصاحبه‌هایم با کارگران لهستانی صنایع کنسروسازی آمریکا احساس خاصی را دامن بزند که به زبان نمی‌آمد اما بر فضای مصاحبه تأثیر می‌گذاشت.

از چه حرف می‌زنند؟

دامنه موضوعات و عناوین مصاحبه‌های تاریخ شفاهی بسیار گسترده است و شامل هر چیزی می‌شود، از معروف‌ترین وقایع تاریخی گرفته تا خصوصی‌ترین جزئیات زندگی راوی. البته نکته‌ای که به لحاظ تحلیلی اهمیت دارد شیوه شکل دادن راویان به روایت‌ها و نحوه انتخاب و چینش اجزاء مطالبی است که بیان می‌کنند. مصاحبه‌ها اغلب روایت‌های مبتنی بر نقشه و پیرنگ هستند به طوری که می‌بینیم راوی/قهرمان داستان بر موانع چیره می‌شود، بر مشکلات فائق می‌آید، از پلکان ترقی در اجتماع بالا می‌رود یا به رضایت درونی می‌رسد. البته استثنائاتی هم وجود دارند، اما این عرف که شاخصه بخش اعظم ادبیات غربی است، از گرایش‌های یک فرهنگ فردگرا، هدف‌محور، موفقیت‌خواه و حقه‌جانب و زیربنای مفروضاتی حکایت می‌کند که مردم برای درک و فهم تجاربشان بدان متکی هستند. همچنین شاید منعکس‌کننده تمایلات خودمحورانه و تشجیع‌کننده مصاحبه باشد یعنی فضایی که یک مصاحبه‌گر مؤدب و تحسین‌برانگیز از شخص دیگری می‌خواهد تا درباره زندگی خود سخن بگوید. در اینجا مقایسه چنین مصاحبه‌هایی با مصاحبه‌های راویانی در بیرون از جریان اصلی فرهنگ غربی می‌تواند آموزنده باشد. مردم‌شناسی به نام جولی کروک شانک در مصاحبه با زنان سرخپوست منطقه یوکان کانادا متوجه شد که آنان سؤالات او درباره موضوعات متداول تاریخی مانند تأثیر هجوم جویندگان طلا به منطقه کلوندایک یا احداث بزرگراه آلاسکا را با داستان‌هایی فوق‌العاده استعاری و سنتی پاسخ می‌دهند و قسم می‌خورند که این‌ها ماجراهای زندگی خودشان است. لذا عبور از تفاوت‌های فرهنگی و توافق درباره آنچه که تاریخچه یک زندگی را می‌ساخت به چالش سختی برای خانم کروک شانک تبدیل شده بود. (24) راویان معمولاً تجربیاتی را که من نام «داستان‌های تمثال‌گونه» (25) بر آن‌ها می‌نهم در میان روایت‌های خود می‌گنجانند. این‌ها روایت‌های ملموس و خاصی هستند که راوی از نظر خودش آن‌ها را مهم تلقی می‌نماید و غالباً نیز در قالب وقایعی منحصر به فرد و مقدس معرفی و با احساسات و عواطف شدیدی بیان می‌کند. از این رو مثلاً داستان زیر را یکی از زنان از دوران کودکی‌اش تعریف کرد تا نشان بدهد که از خودگذشتگی و خیرخواهی برای او تا چه اندازه ارزشمند است:

«یه ماجرا هم از مادر بزرگم بگم که عادت نداشت احساسش رو راحت نشون بده، اما یه روز شنید که خونواده‌ای که سه تا دختر داشتن حسابی توی تنگنا زندگی می‌کنن. دخترای اون خونواده همسن و سال دخترای خودش بودن. مادر بزرگم تازه سه تا لباس قشنگ برای سه تا دخترای خودش دوخته بود. می‌دونین که اون وقتا دوختن لباس چقدر آدم رو خسته می‌کرد... حالا فکر می‌کنین مادر بزرگم چیکار کرد؟ لباسای کهنه دختراش رو به اون خونواده داد؟ نخیر. همون لباسای نویی رو که با هزار مشقت دوخته بود داد به دخترای اون خونواده تنگ‌دست. من که هر موقع این خاطره به یادم میاد چشمام پر از اشک می‌شه.» (26)

یک کارشناس فرهنگ عامیانه به نام باربارا آلن معتقد است که عنصر داستان گونه تاریخ شفاهی از ماهیت اجتماعی مصاحبه حکایت می‌کند زیرا این عناصر در انتقال معنا به دیگران غالباً یک آگاهی جمعی نسبت به مسئله یا واقعه مهم به وجود می‌آورند. آلن با به‌کارگیری این مفهوم در تعدادی از مصاحبه‌هایی که با اهالی مناطق کوهستانی میانه انجام داده بود موفق به شناسایی داستان‌هایی از چند مقوله مشخص شد. مقوله‌هایی مانند نحوه مهاجرت مردم به غرب، مشکلاتشان با وضعیت زمین و آب‌وهوای منطقه، «استقامتی» که برای ادامه بقای خود نیاز داشتند همگی بر این امر دلالت می‌کنند که چنین مضامینی در شعور جمعی بخش وسیعی از انسان‌های منطقه رسوب کرده است. مسئله این نیست که داستان روایت‌شده اساساً مبنای حقیقی داشته باشد یا نداشته باشد؛ حقیقت چنین ماجراهایی یک حقیقت تفسیری است، یعنی معنای آن و این‌که مظهر چه چیزی می‌باشند برای ما مهم است. (27)

چیزی که گفته نمی‌شود به اندازه چیزی که گفته می‌شود اهمیت دارد، یعنی نکته یا مطلبی که راوی بد تعبیر می‌نماید، آن را نادیده می‌گیرد یا از بیانش طفره می‌رود. سکوت بر معانی متعددی دلالت دارد مانند یک سوء تفاهم ساده؛ ناراحتی از یک موضوع دشوار یا حساسیت برانگیز؛ عدم اعتماد به مصاحبه‌گر؛ یا قطع ارتباط معرفتی-مصاحبه‌گر و راوی. با دختر مهاجری درباره زندگی‌اش در اواسط قرن بیستم در شهر بالتیمور مصاحبه می‌کردم. از او پرسیدم که آیا بعد از ازدواجش به شغلی بیرون از خانه هم مشغول بوده است. پاسخ منفی داد و به بحثی درباره زندگی زناشوی‌اش وارد شد؛ اما کمی بعد در همین مصاحبه تصادفاً به زبان آورد که چند سال بعد از ازدواجش شبها به رستورانی می‌رفته و کار پیشخدمتی را انجام می‌داده است. وقتی از او علت این تناقض در روایتش را جویا شدم، گفت که هیچ‌وقت به این قضیه نیندیشیده بود که پیشخدمتی در رستوران دوستش عملاً «شغل» به حساب آید چون هلن صاحب رستوران، دوست و همسایه‌اش بود و او نیز «کمک می‌کرد تا باری از دوشش برداشته شود». سکوت همچنین

معانی فرهنگی گسترده‌ای می‌تواند داشته باشد. لوئیزا پاسرینی، مورخ ایتالیایی، دریافته بود که اعضای طبقه کارگری شهر تورین غالباً از فاشیسم که حکومتی سرکوبگر تشکیل داده و بر زندگی این مردم به‌رحال تأثیرات عمیقی گذاشته بود، سخنی نمی‌گویند. وی تاریخچه زندگی عده‌ای از این مردم را ضبط نموده بود. حتی وقتی که مستقیماً از آنان می‌پرسید، از مراحل ظهور فاشیسم در دهه 1920 سریع عبور کرده و مستقیماً به افول آن در جنگ دوم جهانی می‌پرداختند و از هرگونه بحثی درباره سال‌های سلطه سیاسی فاشیسم پرهیز می‌کردند. پاسرینی از یک سو چنین سکوت یا اجتنابی را شاهدهی بر یک «زخم کهنه، فنا شدن ناگهانی و دردناک چندین سال از زندگی انسان، دملی چرکین در تجربه روزمره» بخش وسیعی از مردم و از سوی دیگر، اشتغالات مردم به فرازوفرودهای زندگی عادی خود-یعنی «شغل، ازدواج، فرزندان»- حتی در دشوارترین و پریشان‌ترین شرایط زمانه تعبیر می‌نماید. (28)

چرا حرف می‌زنند؟

هدف صریح و ضمنی، آگاهانه و ناآگاهانه مصاحبه نیز بر روایت مؤثر است و شکل آن را تعیین می‌نماید. نسلی از مورخان اجتماعی می‌کوشیدند تا محور کنکاش‌های تاریخی را از سیاست‌های حزبی و تمرکز بر شخصیت‌های معروف دور نموده و به سمت درک زندگی روزمره مردم عادی سوق دهند. در نتیجه، مصاحبه‌هایشان غالباً مملو از جزئیات فعالیت‌های شغلی، زندگی خانوادگی، مردم محله و رفت‌وآمد به کلیساست اما از فعالیت‌های مسئولان محلی سخن چندان در آنها پیدا نمی‌شود. مصاحبه‌ها همچنین غالباً تمرینی برای احیای تاریخی است، تلاش‌هایی برای تلنگر زدن به حافظه جمعی و تجدید حیات یک موضوع یا واقعه دقیقاً در برهه‌ای که در حال محو شدن از ذهن مردم است مانند مصاحبه‌های متعدد و مفصلی که در دهه 1960 و دهه 1970 با مهاجران قبل از جنگ جهانی اول صورت می‌گرفت؛ و از جمله سیل مصاحبه‌هایی که به تازگی درباره جنگ جهانی دوم، هولوکاست و جنبش‌های حقوق مدنی انجام شده‌اند. این مصاحبه‌ها معمولاً راوی را به نشاط می‌آورند. شور و شوق یادآوری و لذت حاصل از این عمل همچون پالایه‌ای احساسات احیانا تلخ را می‌زدایند حتی اگر راوی خود با فقدان و ناکامی، یأس و آرزوهای تحقق‌نیافته مواجه شود. پروژه‌های جامعه‌محور تاریخ شفاهی که غالباً سعی دارند احساس هویت و غرور بومی را استحکام ببخشند، با تبانی و توافق راوی و مصاحبه‌گر برای ارائه بهترین و خوشایندترین چهره آن جامعه، از زوایا و جنبه‌های دشوارتر و جنجالی‌تر تاریخ جامعه موردنظر عبور می‌کنند. از این جدی‌تر زمانی

است که مصاحبه‌های راویان قرار است روی سایت‌های اینترنتی گذاشته شود و میلیون‌ها مخاطب به آن دسترسی داشته باشند. در چنین مواقعی احتمال خودسانسوری راویان به مراتب بیشتر از راویانی است که مصاحبه‌هایشان به بایگانی اسناد سپرده می‌شود و صرفاً در اختیار محققان قرار می‌گیرند. انگیزه‌های شخصی می‌توانند بر مصاحبه ساینه بیفکنند. مصاحبه‌گری که مصاحبه‌شونده‌اش را دوست دارد و یا تحسینش می‌کند به احترام او ممکن است از پرسیدن سؤالات چالشی اجتناب کند؛ راوی یا مصاحبه‌شونده‌ای که به شأن و حیثیت اجتماعی‌اش خیلی اهمیت می‌دهد ممکن است از پاسخ دادن به سؤالاتی که وجهه مردمی‌اش را لکه‌دار می‌کند طفره برود.

چه شرایطی برای مصاحبه باید رعایت شود؟  
شرایط مصاحبه نیز در یادآوری خاطرات راوی مؤثر است. عموماً مصاحبه‌هایی که با آمادگی قبلی مصاحبه‌گر و راوی صورت می‌گیرند به احتمال زیاد حاوی گزارش‌های کامل‌تر و مشروح‌تری خواهند بود تا مبادلات کلامی برنامه‌ریزی‌نشده و بی‌مقدمه. به همین ترتیب است آسایش روحی و جسمی و برخورداری از زمان کافی که ذهن راوی را بازنموده و بدون دستپاچگی به یادآوری او کمک می‌کند. یادم می‌آید دو ساعت از یک روز پرمشغله کاری را به مصاحبه با یکی از فعالان حقوق مدنی اختصاص دادم. از قضا راوی‌ام نیز استثنائاً از فهم و درایت تاریخی بسیار بالایی برخوردار بود و سؤالاتم را نه تنها با دقت خاص بلکه با تعمق قابل توجهی درباره اهمیت بالای فعالیت‌هایش پاسخ می‌داد. دو ساعت از مصاحبه که گذشت کم‌کم داشتم نگران کارهای دیگرم در آن روز می‌شدم؛ ضمن آن‌که از ظهر گذشته بود و دلم از گرسنگی مالش می‌رفت. لذا بخش آخر مصاحبه تقریباً سرسری صورت گرفته است. بهتر بود مصاحبه را بیشتر از یک ساعت و نیم ادامه نمی‌دادم و دنباله آن را به روز دیگری موکول می‌کردیم. شرایط بیرونی دیگری نیز می‌توانند مصاحبه را تحت تأثیر قرار بدهند. برخی از مورخان شفاهی معتقدند که مکان مصاحبه به طور ناملموسی بر نوع مطالب راوی و نحوه بیان آن‌ها تأثیر می‌گذارد. مثلاً مصاحبه در دفتر کار راوی حالتی رسمی و غیر صمیمی به خود می‌گیرد و مصاحبه‌شونده به جای پرداختن به زندگی خصوصی‌اش وارد فعالیت‌های عمومی می‌شود. همین‌گونه است مصاحبه همزمان با بیش از یک نفر یا وقتی که نفر سومی در جلسه مصاحبه حضور دارد. راوی در چنین شرایطی احساس محدودیت و تنگنا می‌کند و گفت‌وگویی صمیمانه در محیطی اختصاصی تبدیل به یک ملاقات عمومی می‌شود. اغلب فکر می‌کنم مصاحبه همزمان با چند عضو یک خانواده بیش آن‌که بر اصل موضوع مورد نظر مصاحبه‌گر متمرکز شود روابط اعضای خانواده را ثبت

می‌کند.

خلاصه‌ای از سؤالاتی که می‌توان پرسید

برای ارزیابی مصاحبه تاریخ شفاهی به سؤالات زیر توجه کنید:

1- راوی کیست؟ راوی با وقایع موردنظر مصاحبه‌گر چه نسبتی دارد؟ راوی با بیان روایت خاص خود از وقایع چه سودی می‌برد؟ هویت و جایگاه اجتماعی راوی چه تأثیری ممکن است بر مصاحبه بگذارد؟ راوی چگونه خود را در مصاحبه معرفی می‌نماید؟ شخصیت راوی در طول مصاحبه دچار چه تغییراتی می‌شود؟ چه نوع تأثیرات شخصی، فرهنگی و اجتماعی می‌تواند نحوه بیان راوی را شکل بدهد؟ خلاصه توجه کنید که وقایع مورد بحث، در دیدگاه عموم مردم چه جایگاهی دارند و فرهنگ عمومی چگونه ممکن است روایت راوی را شکل دهد.

2- مصاحبه‌گر کیست؟ مصاحبه‌گر با چه پیشینه و علایقی به موضوع مصاحبه وارد می‌شود؟ پیشینه و علایق مصاحبه‌گر چگونه ممکن است بر مصاحبه تأثیر بگذارد؟ سؤالات مصاحبه‌گر چگونه ممکن است شکل روایت ماجرا را تعیین نموده و بر آن تأثیر بگذارد؟ آیا مصاحبه‌گر آمادگی‌های لازم را برای مصاحبه کسب کرده است؟ مهارت و زیرکی مصاحبه‌گر برای هدایت راوی به سمتی که داستانش را طبق شیوه و نظر او بیان کند تا چه حد است؟ هویت و جایگاه اجتماعی مصاحبه‌گر چه تأثیری می‌تواند بر مصاحبه‌شونده و روند مصاحبه داشته باشد؟ تعامل راوی و مصاحبه‌شونده چگونه ممکن است مطالبی را که در مصاحبه بیان می‌شود تحت تأثیر قرار دهد؟ آیا مصاحبه‌گر از قبل با مصاحبه‌شونده ارتباطی داشته است؟ این ارتباط قبلی چگونه ممکن است مصاحبه را تحت تأثیر قرار دهد؟

3- چه مطالبی در مصاحبه گفته شده است؟ راوی چگونه مصاحبه را شکل داده است؟ طرح یا پیرنگ داستان راوی چیست؟ از این پیرنگ چه چیزهایی درباره نوع نگرش راوی به تجربه‌اش دستگیرمان می‌شود؟ راوی برای هضم آسان تجربه‌اش از چه حکایات، آرایه‌های ادبی و مضامینی استفاده می‌کند؟

کاربرد چنین ابزارهایی چه چیزی درباره نوع نگرش راوی به تجربه‌اش به ما می‌فهماند؟ راوی از بیان چه چیزهایی اجتناب نمود یا طفره می‌رود؟

راوی درباره چه چیزهایی باعلاقه، اشتیاق یا قطعیت سخن می‌گوید؟ از حالات مختلف روحی و روانی راوی چه چیزی دستگیرمان می‌شود؟ آیا پیش‌آمده است که راوی به سؤالی پاسخ نداده باشد؟ علت این کار چه می‌تواند باشد؟ آیا خطاهای به لحاظ حقایق مطروحه در روایت وجود دارد؟ آیا از انسجام درونی برخوردار است؟ سهم شما در بروز این

خطاها و آشفتگی‌ها چقدر است؟  
روایت راوی چگونه با دیگر منابع و مصاحبه‌ها چفت‌وبست می‌شود؟  
تفاوت‌های فاحش را چگونه می‌توانید توجیه یا تبیین کنید؟  
4- این مصاحبه با چه هدفی صورت گرفته است؟ هدف مصاحبه چه نقشی در  
شکل‌گیری محتوا، منظر و لحن مصاحبه ایفا نموده است؟  
5- مصاحبه در چه شرایطی انجام شده است؟ مکان مصاحبه چه تأثیری بر  
نوع مطالب بیان‌شده در مصاحبه داشته است؟ در صورتی‌که شخص سومی در  
جلسه مصاحبه حضور داشته است، این حضور چه تأثیری ممکن است بر  
مصاحبه گذاشته باشد؟ آیا از سلامت روحی و جسمی راوی و مصاحبه‌شونده  
مطلع بوده‌اید؟ این عامل چه تأثیری ممکن است بر مصاحبه گذاشته  
باشد؟

Thomas Dublin, with photographs by George Harvan, *When the Mines Closed: Stories of Struggles in Hard Times* (Ithaca: Cornell University Press, 1998), 21.

24-Julie Cruikshank, in collaboration with Angela Sidney, Kitty Smith, and Annie Ned, *Life Lived Like a Story: Life Stories of Three Yukon Native Elders* Lincoln: University of Nebraska Press, 1990.

25-iconic stories

26-Louise Rhodes Dewees, interview by Nicolette Murray, March 29, 1979, transcript, pp. 7-8; *Oral History among Friends in Chester Count[Pennsylvania] Library.*

27-Barbara Allen, "Story in Oral History: Clues to Historical Consciousness, *Journal of American History* 79:2 (September 1992): 606-611.

28-Luisa Passerini, "Work ideology and consensus under Italian .fascism, in *The Oral History Reader*, 58-60